



یادداشت

مانع اصلی تولید و عامل فلاکت اقتصادی - اجتماعی کشور خامنه‌ای و رژیم او است

صادق کار



معمول است که در آغاز هر سال علی خامنه‌ای شعاری را بعنوان شعار سال تازه انتخاب کند و از همه بخواهد که آن را به عمل در آورند. با وجود اینکه هیچ یک از شعارهای سالیانه خامنه‌ای عملی نشده و نتیجه خلاف انتظار طراح شعارها از کار درآمده‌اند، اما صدور فرمانهای بی خاصیت و غیر عملی رهبر خودکامه حکومت هر ساله تکرار می شوند بدون اینکه الزامات آنها فراهم شود. تنها کسی که در پایان سال صحبت از کسب موفقیت در اجرای آنها می کند خود خامنه‌ای است. او سال ۹۹ را سال (جهش تولید) اعلام کرده بود. امسال را نیز سال رفع موانع تولید نام نهاد. او در مورد اهمیت جهش تولیدی گفت "تحقق جهش تولید هم تأثیرات عمیق اقتصادی در کشور از جمله در مسئله ارزش پول ملی دارد و هم موجب اعتماد به نفس ملی، رضایتمندی عمومی و تضمین‌کننده امنیت ملی است". با این وصف نه تنها جهشی در تولید بوجود نیامد، بلکه رکود تولیدی تشدید شد، نا رضایتمندی عمومی، به طرز کم سابقه‌ای در اشکال مختلف اعتراضی افزایش یافت، ارزش پول ملی حداقل ۸۰ درصد تنزل نمود و قیمت دلار که در آغاز سال ۹۹ حدود ۱۵ هزار تومان بود در طول سال بین ۲۴ تا ۳۰ هزار تومان در نوسان به سر برد. فرار سرمایه از کشور هم در سال جهش تولید ادامه یافت و مرز ۳۰ میلیارد دلار را پشت سر نهاد. به تبع آن بیکاری، تورم و فقر نیز به شدت افزایش یافتند و کار میلیونها شهروند به خرید نان قسطی کشید. با این همه خامنه‌ای در سخنرانی نوروزی امسال خود با وقاحت کوشید این واقعیت غیر قابل لاپوشانی را وارونه جلوه دهد و نتیجه مطلوب خود را از آن بگیرد. او در خصوص نتیجه شعار سال گذشته خود گفت "بر اساس گزارشهای متعدد مردمی و دولتی، جهش تولید تا حد قابل قبولی در بخش‌هایی از کشور تحقق یافت و افزود البته این میزان جهش در حد انتظار نیست چراکه با وجود تحقق در کارهای زیربنایی و سازندگی، نتیجه آن در اقتصاد عمومی و معیشت مردم مشهود و محسوس نشد، در حالی که انتظار بود جهش تولید گشایشی در توسعه زندگی مردم به وجود آورد. "او از یکسو از موفقیت نسبی شعار سال گذشته اش دم می زند و از سوی دیگر در یک تناقض گویی پیچیده اما آشکار از گشوده نشدن گشایش در زندگی مردم و انداختن تقصیر آن به گردن عوامل مجهول. در حالیکه ادعای جهش خود دروغ بزرگ سال است. این ادعاهای کاذب اما خوشبختانه دیگر رسواتر از آن هستند که مردم را بفریبند. اکثریت قریب به اتفاق مردم می دانند که عامل اصلی پسرقت همه ساله تولید و جامعه و فقر و



فلاکت شان وجود رژیم استبدادی، فاسد، ناکارآمد و اصلاح ناپذیر جمهوری اسلامی و در راس آن شخص علی خامنه‌ای است و تا زمانی که این رژیم استبدادی بر سر کار است تغییری در وضع موجود نه تنها قابل تصور نیست بلکه با تدبیری که برای یک دست کردن رژیم در جریان است امکان پسرفت های بیشتر دور از انتظار نیست. خامنه‌ای و نزدیکان دست راستی تاجر و دلال وی که کنترل واقعی تمام نهادهای قدرت را بصورت مستقیم و غیر مستقیم ده‌ها سال است به عهده دارند و ضربات سهمگینی به بخش تولید وارد نموده و سهم اصلی در به فقر کشاندن زحمتکشان را دارند اکنون می‌کوشند نقش خود در این فجایع را منکر شوند و همه تقیصرها را به گردن دارودسته روحانی و اصلاح طلبان حکومتی بیندازند و خود را تبرئه کنند.

رسانه های دست راستی مدافع ارتجاعیترین نیروهای نزدیک به خامنه‌ای، از فارس و تسنیم گرفته تا رسالت و جوان در ماه های اخیر پر است از مطالبی با مضمون در ظاهر هواداری از مردم و مستضعفین و علیه رقبای دولتی شان و در مخالفت با فقر عمومی. در موضعگیری های خامنه‌ای از جمله در سخنرانی نوروزی وی نیز همین موضع فریبکارانه دنبال می‌شود.

همه آنها در دو نکته خط واحدی را دنبال می‌کنند، تبرئه مقصرین اصلی وضعیت بحرانی کنونی و آماده کردن اذهان عمومی برای جا انداختن دولت نجات بخش و جوان حزب الهی و تشویق مردم به شرکت در انتخابات فرمایشی پیش رو. در این تبلیغات چنین وانمود می‌کنند که گویا با آمدن چنین دولتی دوران پر رنج کنونی پایان می‌یابد. تبلیغاتی که با ماهیت سابقه، عملکرد و منافع طبقاتی محافظه کارانه آنها در تضاد قرار دارد. بستن بیشتر فضای سیاسی، تشدید سرکوب و سانسور بخش دیگری از برنامه و اهداف آنها برای کنترل اعتراضات اجتماعی جهت حفظ حکومت هستند. این در حالی است که وجود آزادی در جامعه نخستین پیش شرط رفع موانع تولید و فساد است. بنا بر این به همان نسبتی که این جریانات مافیایی بتوانند اهداف شان را پیش ببرند، وضعیت تولید، مردم و کشور نیز به همان اندازه وخیمتر و غیر قابل تحملتر خواهد شد.

تحریم هر چه وسیعتر انتخابات فرمایشی پیش رو همراه با گسترش سازمان یافته و هدفمند اعتراضات و اعتصابات تنها سلاح مبارزاتی موثری است که فعلا مردم برای مقابله با توطئه‌های حکومت در اختیار دارند بویژه کارگران باید بدانند که وعده‌های محافظه کاران این دشمنان همیشگی حقوق کارگران و عدالت اجتماعی از همان قسم وعده‌هایی است که ابراهیم رئیسی رئیس جنایتکار و فریبکار قوه بیدارگر قضایی رژیم به کارگران هفت تپه داد. آنها به همان اندازه دارودسته روحانی جنایتکار با حقوق کارگران سر ستیز دارند

یکی از پیامدها و هدف های شعار رفع موانع تولید بعید نیست متوجه حق و حقوق ناچیز کارگران و از میان برداشتن ته مانده قوانین کار و دادن امتیاز به کارفرمایان از جیب کارگران باشد که دقیقا در تضاد با بخشی از پیام نامبارک نوروزی خامنه‌ای و اظهارات اخیر روحانی قرار دارد. چرا که از نظر این جماعت مانع تولید دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر کارگران و بازنشستگان است. آری موانع تولید باید از میان برداشته شوند، ولی آن مانع اصلی که باید ابتدا از میان برداشته شود خود خامنه‌ای و رژیم او است و نه محروم کردن بیشتر کارگران از حق و حقوق شان.

به سرکوب سندیکا‌های کارگری پایان دهید!



افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش پنجم

فردناندو روگیتسکی



پرده سوم: مرگ انسانها و مرگ نئولیبرالیسم

ویروس کرونا از مجاری سرمایه و از طریق انسانهایی که در این مجاری کار می کنند، در جهانی که عمیقاً در بحران هژمونیکی که از سال ۲۰۰۸ به غلیان آمده بود، شروع به انتشار کرد. در مدتی کمتر از ۶ ماه آمار رسمی حکایت از ابتلای بیش از ۱۰ میلیون و بیش از ۵۰۰ هزار کشته در سراسر کره خاک دارد. این تردید وجود دارد که شمار واقعی مبتلایان و گشتگان بسیار بیشتر است. این نکته واضحی است که پیامد بلافصل این آفت در اقتصاد آفت فعالیت اقتصادی در ابعادی به مراتب وسیعتر از سال ۲۰۰۸ خواهد بود. بنا به پیش بینی صندوق بین المللی پول، که در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۰ انتشار یافت، تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۲۰ در پهنه جهانی حدود ۵ درصد کاهش خواهد داشت. این در حالی است که کاهش این معیار در سال ۲۰۰۹ فقط یکدهم درصد، یعنی ۵۰ بار کمتر بود. قابل توجه است که کاهش تولید ناخالص داخلی در برزیل بیش از ۹ درصد و ۸ درصد برای "اقتصادهای پیشرفته" پیش بینی شده است. از این قرار، طبق اظهار این مؤسسه مالی که معمولاً "حسن تفسیر" را ترجیح می دهد، بحران اقتصادی ناشی از کرونا "حادثهترین رکود اقتصادی از پس از "رکود بزرگ" است که در سال ۱۹۲۹ آغاز شد.

البته جوهر کیفی متمایز این بحران به مراتب مهمتر از کمیت آفت تولید است. بدون شک حفظ قدرت خرید عمومی از جمله برای حفظ درآمد کارگران، افزایش ظرفیت سیاستم بهداشت، تأمین مالی تحقیق روی واکسن و ... دارای اهمیت بسیار است. اما با توجه به این که مبارزه با پاندمی مستلزم خانه نشینی مردم و جلوگیری از مصرف بسیاری خدمات است، توان دولت برای حفظ تقاضای کل جامعه محدود خواهد بود. به نظر می رسد جبران کاهش قدرت خرید افراد از طریق پرداختهای عمومی چالش اقتصادی چندان سنگینی نباشد، اما در عوض هدایت دستگاه



های تولیدی برای مبارزه با پاندمی در مسیری با برنامه، تجدید شغل برای افرادی که نمی توانند در مشاغل قلبی شان کار کنند، تأمین نیازهای اقتصادی سیستم بهداشتی (از جمله تولید تجهیزات پزشکی و ایمنی) و تضمین درآمد برای کسانی که مجبورند در خانه بمانند، چالش بس سنگینتری است. بی سبب نیست که یکی از مرسومترین متافورها برای توصیف وضعیت کنونی، در میان بسیاری از متافورها، "اقتصاد جنگی" است.

این تشبیه به دلیل دیگری نیز می تواند آموزنده باشد. بحران ۱۹۲۹ "حسن ختام" نیز بود، زیرا به هژمونی لسه فر (عدم مداخله دولت) خاتمه داد. فرمولاسیون آنتونیو گرامشی در باره دوره فترت (interregnum)، دوره ای که شاهی معزول شده یا مرده است و هنوز کسی به جای او ننشسته است) به سال ۱۹۳۰ تعلق دارد و انعکاس دقیق وضعیت گفته شده است. با این حال و به لایل چندی، فقط پس از جنگ جهانی دوم است که نو متولد می شود. یکی از آن دلیل این است که تجربه برنامه ریزی متمرکز که در جریان جنگ حاصل شد، به استقرار آلترناتیوی به جای لسه فر کمک کرد. ایده برنامه ریزی اقتصادی پیش از ۱۹۳۰ توسط اتحاد شوروی اشاعه یافته بود و این واقعیت که اقتصاد برنامه ریزی شده اصلی آن دوره، یعنی اتحاد جماهیر شوروی، از بحران سال ۱۹۲۹ نسبتاً بدون آسیب گذشت، جذابیت این آلترناتیو را افزایش داد. اما تجربه جنگ [جهانی دوم] تعیین کننده بود. این واقعیت که تعداد قابل توجهی از اقتصاددانان توسط دولت های وقت به کار گرفته شدند، و جنگ یک تجربه عملی گسترده و عمیق را در زمینه مدیریت سیستم های تولید و توزیع در اختیار آنان گذاشت، نقش کمی در استقبال از این آلترناتیو نداشت. "نو"، چنان که در سال ۱۹۴۵ از ویرانه های جنگ سر برآورد، شکل اقتصادهای مختلط "اجماع کینزی" را به خود گرفت که نوعی سرمایه داری با مدیریت دولتی بود.

محتمل است که تاریخ از این زاویه خود را تکرار کند. اگر سال ۲۰۰۸ را آغاز دوره فترت به حساب آوریم، مبارزه با پاندمی می تواند قابله "نو" باشد. شواهد بسیاری وجود دارند که نشان می دهند این "نو" ممکن است بار دیگر به شکل سرمایه داری تحت مدیریت دولت درآید و نه تنها هژمونی نئولیبرالی بلکه سیاست های نئولیبرالی را نیز به دست گذشته بسپارد. نکته در اینجا ابداً بازگشت به دولت متورم، به عنوان بدیلی در برابر شعار ظاهراً نئولیبرالی دولت حداقلی نیست، زیرا این واقعیتی محرز است که سیاست های نئولیبرالی نه به معنای کاهش نقش دولت، بلکه به معنای تغییر کاراکتر و تقویت سازوکارهای آن است برای کانالیزه کردن ارزش اضافی به جانب بالائینها، و عریض و طویل کردن دستگاه سرکوبگر و انسداد. بنابراین نشان دادن یک نظم سرمایه داری تحت هدایت دولت به جای نئولیبرالیسم به معنی بازگشت ساده اکویویم دولتی نیست، بلکه سمتگیری نوینی در این اکتیویسم برای محدود کردن عرصه برای دینامیسم رقابت بازاری است.

منبع :

ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



تشکیل های کارگری مراقب نفوذ عوامل تفرقه افکن باشند

صادق



تفرقه انداختن در میان کارگران و تشکلهای آنان در همه جای جهان معمول و بخشی از آپارت سرکوب است. پشت سر تفرقه افکنان معمولاً عوامل پلیس و کارفرمایان قرار دارند که سعی می کنند از طرق مختلف و با استفاده از ضعف برخی از رهبران تشکلهای یا به خدمت گرفتن آنها در میان تشکلهای و اعتصابات کارگری تفرقه بیندازند و مانع نیرومند شدن و به ثمر رسیدن مبارزات زحمتکشان شوند. بخصوص زمانی که دامنه اعتصابات گسترده می شود و توان اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری و امکان پیروزی آنها بیشتر می شود فعالیت های عوامل تفرقه افکن نیز تشدید می شود. تشکیل اتحادیه های قلابی و گماردن عوامل دولت و پلیس در راس آنها و تقویت و تغذیه شان از طرق مختلف دقیقاً در راستای سازماندهی عناصر تفرقه افکن در جنبش کارگری و سندیکایی است. تشکیل این گونه تشکلهای در ایران نیز سابقه طولانی دارد و هدف از آن جلوگیری از تشکیل اتحادیه های کارآمد کارگری و مقابله با آنها بوده است. در سالهای دهه ۲۰ و پس از تشکیل شعبه شورای متحده مرکزی در صنایع نفت پس از آنکه مقامات شرکت نفت موفق نشدند حتی با آوردن نیروی نظامی و کشتار دهها کارگر اعتصاب تاریخی آنها را فرو بنشانند، تلاش کردند با تشکیل یک اتحادیه بدلی و کمک به آن در میان کارگران تفرقه بیندازند. از آن پس دولت، احزاب دولت ساخته و ساواک هم شروع به سازماندهی تفرقه افکنان و اعتصاب شکنان در اتحادیه های کارگری شدند و با کمک آنان توانستند تا حدودی مانع بر سر راه فعالیت های سندیکایی و پیشرفت و نفوذ آنها ایجاد نمایند. گاهی دولتها و کارفرمایان از برخی رهبران سابق اتحادیه ای که خودشان را فروخته بودند بهره گرفتند و پس از مدتی که توانستند اتحادیه های کارگری واقعی را از هم بپاشند، افراد خود فروخته را نیز به حال خود رها کردند.

بعد از انقلاب نیز از طرف حکومت و با استفاده از تجربیات پلیسی پیش از انقلاب و به کار گرفتن عوامل و بعضی از سازمانگران اتحادیه های دولتی رویه تشکیل سازمانهای پلیسی گذشته را با تصرف خانه کارگر و سرکوب و انحلال شوراهای سندیکاهای مستقل کارگری و نشان دادن شوراها و انجمن های اسلامی به جای آنها پیش بردند. با کمک همین تشکلهای قلابی و حکومتی توانستند مانع تصویب قانون کار مترقی شوند و آن قانون نیمه بندی را هم که تصویب کردند به تدریج از محتوی تهی نمایند. اکنون هم نقش آن دزد را بازی می کنند که جلوی



جمعیت می دويد و فرياد آي دزد را بگيريد را سر داده بود ايفا می کنند. گسترش مبارزات و افزايش سطح آگاهی در میان کارگران در اثر مبارزات سالهای اخير و تشکيل تعدادی سندیکا و تشکيل مستقل، یک سری تغییرات در شیوه سرکوب جنیش کارگری را اینک اجتناب ناپذیر نموده اند. شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی دیگر افشا شده و اعتباری بین کارگران ندارند و نمی توانند نقش خود برای کارفرمایان و حکومت را ايفا کنند. بهمین جهت شاهد یک رشته فعل و انفعالات آشکار و پنهان هستیم که حاکی از تلاشهای پلیس امنیتی برای تفرقه افکنی و نفوذ در میان کارگران است، که از لحاظ ظاهر متفاوت اما همان هدف اصلی را دنبال می کند.

تلاش برای تشکيل سندیکای قلابی در هفت تپه و فولاد و برخی نقاط دیگر در واقع ادامه همان سیاست رژیم گذشته برای مقابله با تشکلهای سندیکایی مستقل است. و عجیب نیست که گاه و بیگاه از زبان برخی نمایندگان اتحادیه های کارفرمایی نیز می شنویم که آنها هم ظاهرا از سندیکا دفاع می کنند. منتهی آن سندیکایی که آنها می خواهند، همان نیست که کارگران می خواهند. با این احوال تشکلهای کارگری لازم است این فعل و انفعالات را در فعالیت هایشان در نظر بگیرند و راه نفوذ عوامل تفرقه افکن را که ممکن است با عناوین مختلف در میان کارگران نفوذ کنند و در شرایط حساس به آنها ضربه وارد کنند ببندند تلاش پلیس برای نفوذ در تشکلهای و تحرکات اعتراضی تحلیل نیست، واقعیت است آن را دست کم نگیریم



www.hra-news.org

تداوم بازداشت و بی خبری از وضعیت محمد ایران نژاد

شیرین آوازی هرا

محمد ایران نژاد، شهروند ساکن تهران با گذشت یک ماه از زمان دستگیری کماکان در بازداشت به سر می برد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ایام عید، زمان تعطیلات نوروزی است و در این ایام کارگران هم بایستی تعطیلات را مانند سایر شهروندان در کنار خانواده هایشان با جشن و شادی بگذرانند. اما پرداخت نکردن دستمزد و مطالبات مزدی عده زیادی از کارگران توسط کارفرمایان فرصت شادی و جشن سرور را از آنها و خانواده هایشان گرفت مقامات مسئول و نجومی بگیردولتی نیز کارگران و خانواده هایشان را با سفره‌های خالی به حال خود رها کردند.

ادامه اعتراضات کارگری در شب عید

اعتراضات کارگرانی که تا شب عید هم موفق به گرفتن مطالبات مزدی شان نشده بودند امسال برای نخستین بار تا شب عید هم تداوم یافتند و گروهی از کارگران که با جیب خالی روی رفتن به خانه‌هایشان را نداشتند مجبور شدند با ادامه اعتصاب و پهن کردن سفره‌های خالی شان شب عید را در محل های کارشان بگذرانند، بلکه بتوانند مطالبات مزدی خود را از کارفرمایان زورگو و بی رحم و مروت و بیگانه با فقر و تنگدستی بگیرند. کارگران ابنیه فنی راه آهن ورامین شب عید را در اعتصاب گذرانند. کارگران عسلویه و آب و فاضلاب اهواز نیز در واکنش مشابهی با پهن کردن سفره‌های خالی در مقابل استانداری گذرانند. مسئولین دولتی نجومی بگیر و مرفه هم در این میان سکوت نموده و در عمل از کارفرمایان ثروتمند حمایت نمودند.

شروع موج اخراجها در آغاز سال

با پایان یافتن سال و سرآمدن مدت قراردادهای موقت تحمیلی، کارفرمایان موقعیت را برای اخراج کارگران حق طلبی که در اعتراضات کارگری نقش فعال داشتند مغتنم شمرده و از تمدید قراردادهای گروهی از آنها امتناع نموده و عده دیگری را نیز اخراج نمودند. اخراج شماری از کارگران پتروشیمی ایلام با وجود داشتن ۷ سال سابقه کار، اخراج ۸۰ نفر از کارگران صنعت فولاد در خوزستان، و اخراج ۱۲ کارگر شرکت پتروشیمی "گلایکول" در عسلویه به دلیل شرکت در اعتصاب بخش کوچکی از این اخراج ها هستند که تا کنون خبر آنها منتشر شده‌اند. به گزارش سندیکای نیشکر هفت تپه دستور تمدید نکردن قراردادهای شماری از کارگران و اخراج ابراهیم عباسی به جانشین امید اسد بیگی داده شده. اخراج فعالین کارگری هفت تپه در حالی در دست اجرا است که در سال گذشته و در اوج اعتصابات طولانی کارگران هفت تپه شورای دولتی تامین استان پذیرفته بود که مانع اخراج کارگران شرکت کننده در اعتصاب شود. اما زیر توافقات خود با کارگران زده است البته شورای تامین



استانها، مجلس قوه قضایی و دیگر نهادهای دولتی و حکومتی در زیر پا گذاشتن توافقات صورت گرفته با کارگران یدی طولانی و نقش کثیفی داشته و دارند و کارگران هیچگاه نباید روی توافقاتی که با آنها می کنند حساب باز کنند. بهمین جهت شرط پایان اعتصاب باید منوط به عملی کردن توافقات به عمل آمده بین کارفرما و کارگران باشد. با این همه شرط حفظ توافقات و مطالبات در گرو داشتن تشکل مستقل و نیرومند و آماده نگاه داشتن کارگران برای اعتصاب در صورت لازم است. بهمین جهت استرژژی فعالین و رهبران کارگران در فرایند اعتراضات باید معطوف به تامین اهداف فوق باشد.

تجمع بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینم
اعتراضات خیابانی بازنشستگان و حامیان آنها که دیگر به صورت هفتگی درآمده، در یکشنبه ۲۸ اسفند نیز ادامه یافت. بازنشستگان که از واریز نشدن مبالغ تفاوت حقوق بازنشستگی شان که دولت وعده انجام آن به صورت علی الحساب قبل از نوروز را داده بود و از به آسمان رفتن قیمت مواد خوراکی به شدت خشمگین و معترض بودند ضمن تاکید بر ادامه مبارزه تا گرفتن مطالبات شان خشم خود از رفتار دولت و تامین اجتماعی را با سر دادن شعارهای ضد دولتی نشان دادند. "وضع شما عالیه سفره ما خالیه" یکی از شعارهای تجمع های بازنشستگان بود که بطور همزمان در چند شهر بزرگ از جمله در تهران برگزار شد.

کارگران انبیه فنی راه آهن شمال اخطار به اعتصاب کردند
کارگران انبیه فنی راه آهن منطقه شمال کشور با صدور اعلامیه که در ۴ فروردین منتشر شد، اخطار به اعتصاب کردند و نوشتند چون مسئولین و مدیران مطالبات آنها را بی پاسخ گذاشته اند در ۷ فروردین بار دیگر جهت پیگیری مطالبات شان اعتصاب خواهند کرد. نظر به اعتصابات پیشین کارگران انبیه فنی (تراوس) در مناطق مختلف این اعتصاب ممکن است در مناطق دیگر کشور هم برگزار شود. لغو قراردادهای یک ماهه و موقت، تبدیل قراردادهای از موقت به رسمی، اجرای طبقه بندی مشاغل و پرداخت منظم و به موقع دستمزدها مهمترین مطالبات سراسری کارگران راه آهن هستند. بهمین جهت کارگران منطقه شمال انبیه فنی از همکاران شان در دیگر مناطق خواسته اند با پیوستن به اعتصاب همبستگی و حمایت شان با همکاران شان را نشان دهند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!